

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۵۱ ♦ پاییز ۹۴

بررسی پیامدهای درجاسازی روستای عالیشاهی (نورآباد ممسنی)

پس از زلزله ۱۳۸۹ فارس

سید امیرحسین گرکانی*، محمد علی وجدانی**، مهسا بشیری***

۱۳۹۲/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

در اغلب برنامه‌های بازسازی پس از سانحه، سیاست جابه‌جایی سکونتگاه به‌عنوان راه‌حلی مناسب در راستای کاهش خطر در مقابل سوانح قلمداد می‌شود. با این حال بررسی تجارب مختلف حاکی از آن است که پیامدهای جابه‌جایی به گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابه‌جا شده‌اند به دلایل مختلفی از جابه‌جایی رضایت نداشته و این امر در مواردی به خالی از سکنه شدن واحدهای احداثی در روستای جدید و بازگشت به روستای قدیم منجر شده است. به‌منظور تبیین ضرورت بازنگری در اتخاذ سیاست جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در جریان بازسازی مسکن پس از سوانح، این پژوهش از طریق تجارب اجرایی نگارندگان در حین اجرا، مشاهدات میدانی و مصاحبه عمیق با روستائیان و با رویکردی کیفی و روش بررسی موردی به تحلیل پیامدهای سیاست درجاسازی روستای عالیشاهی در شهرستان نورآباد ممسنی استان فارس پس از زلزله سال ۱۳۸۹ می‌پردازد. درجاسازی روستای عالیشاهی نشان داد که در بسیاری از موارد، جابه‌جایی روستاها پس از وقوع سانحه تنها گزینه پیش‌روی نمی‌باشد و در صورت حذف و یا کاهش موارد تهدید و آسیب‌پذیری سکونتگاه موجود، از منظر رضایت‌مندی و بهره‌گیری از سرمایه‌های موجود، سیاست درجاسازی هر چند با هزینه‌های اولیه بالاتر، گزینه مناسب‌تری نسبت به جابه‌جایی و انتقال روستائیان است. در صورت درجاسازی سکونتگاه علاوه بر حفظ منابع معیشتی مردم، منظر روستا نیز تا حد امکان حفظ می‌شود. ضمن این‌که در فرایند بازسازی باید همواره رفع مشکلات موجود در مسکن سنتی را در نظر داشته و به تناسب مسکن با اقلیم منطقه نیز توجه نمود. از سویی در این تجربه برخلاف تصور رایج که استفاده از مصالح بومی و تکیه بر دانش ضمنی روستائیان، منجر به کاهش سرعت بازسازی می‌شود، با حضور و مشارکت مردم در مراحل مختلف برپایی مسکن، این بازسازی در مقایسه با روستاهای مشابه، طبق برنامه زمانی از پیش تعیین شده انجام گردید.

واژگان کلیدی: بازسازی مسکن، جابه‌جایی، درجاسازی، روستای عالیشاهی، زلزله ۱۳۸۹ فارس.

* دکترای معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پردیس تهران.

** کارشناس ارشد معماری، مدیر کل دفتر مطالعات و تحقیقات مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

*** کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه از دانشکده معماری شهید بهشتی. mahsa_bshr@yahoo.com

مقدمه

ساخت سکونتگاه جدید نیازمند تلاش بسیار و سرمایه‌گذاری زیاد است. انتخاب محل سکونتگاه، برنامه‌ریزی زمین، انتخاب مصالح، روش ساخت و طرح، ملاحظاتی است که در هنگام برنامه‌ریزی سکونتگاه جدید باید مدنظر باشد. در این میان انتخاب سایت مهم‌ترین عاملی است که در میزان موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌ریزی سکونتگاه جدید مؤثر است (Barakat, 2003). انتخاب سایت، در مکان فعلی ساختمان‌های تخریب شده یا در یک محیط مسکونی جدید انجام می‌گیرد. اگر مطالعات مناسبی صورت نگیرد، هر دو روش می‌تواند زیان‌هایی در پی داشته باشد (Tercan, 2001).

مطالعات بسیاری در زمینه جابه‌جایی نشان داده است که اسکان مجدد، چیزی بیش از جابه‌جایی خانه‌ها است (Usamah and Haynes, 2012) و فرایند جابه‌جایی بسیار پیچیده‌تر از آن رویکردی است که توسط اکثر مسئولین در بازسازی پس از سوانح اتخاذ می‌شود. بنابراین باید اذعان داشت که حساسیت و دقت بیشتری نسبت به پیچیدگی فرایند اسکان مجدد در هنگام جابه‌جایی نیاز است. اما معمولاً مسئولین از این موضوع غافل هستند که نتایج حاصل از جابه‌جایی، خود ممکن است تبعات منفی به مراتب بیشتری نسبت به سانحه داشته باشد (Oliver-Smith, 1991). باید توجه داشت که اگر چه جابه‌جایی در موارد بسیاری موجب کاهش آسیب‌پذیری در مقابل سوانح می‌شود، اما با ایجاد گره‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و معیشتی ممکن است باعث افزایش آسیب‌پذیری گردد. در شرایط نابسامان بازسازی پس از سانحه، معمولاً زمان بسیار اندکی برای مشورت با ذی‌نفعان و اتخاذ تصمیم مناسب وجود دارد. در چنین شرایطی نتایج ناشی از اسکان مجدد

ممکن است فاجعه‌بارتر از خود سانحه باشد (Usamah and Haynes, 2012).

تجارب مختلف ناشی از جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در کشور نشان می‌دهد که این امر در برخی موارد تبعات منفی گوناگونی در پی داشته و در مواردی به ترک سکونتگاه جدید و بازگشت به روستای قدیم با وجود آسیب‌پذیری آن در مقابل سانحه منجر شده است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- از دست رفتن منبع معیشت بازماندگان و تغییر نحوه زندگی آن‌ها به شکلی مغایر با عادات گذشته، در جابه‌جایی روستاهای شرق استان گلستان پس از سیل ۱۳۸۴ و در نتیجه مهاجرت فصلی یا دائمی به روستاهای آسیب‌پذیر قدیم (بشیری و همکاران، ۱۳۹۲).

- به وجود آمدن تبعیض طبقاتی در خلال جابه‌جایی و ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی پس از زلزله ۱۳۴۷ دشت بیاض، کمبود زیرساخت‌های لازم و طراحی متناسب با فضاهای شهری در سکونتگاه‌های روستایی جدید پس از زلزله ۱۳۵۷ طبس (Fallahi, 1993/94).

- عدم توجه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی و دیدگاه کاملاً کالبدی در جابه‌جایی و ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل (رحمتی، ۱۳۸۵).

بنابراین می‌توان گفت جابه‌جایی همیشه بهترین راه حل نخواهد بود. همه خطرهای ناشی از ویژگی‌های سایت نیست و جابه‌جایی به خودی خود خطرهای زیادی در پی دارد. پیدا کردن زیربنای کافی برای جامعه تحت تأثیر چالش بسیار بزرگی در انتخاب سایت است. زمین‌های نامناسب ممکن است به دلیل سهولت مالکیت آن (چون تحت مالکیت دولت است) و یا دسترسی ساده به آن به لحاظ توپوگرافیک، انتخاب شوند. بنابراین مردمی که در مقابل سانحه دارای امنیت مناسبی هستند، ممکن است خود را در معرض خطرات جدیدی بیابند. سایت‌های

روش انتخاب شده جهت انجام پژوهش روش مطالعه موردی و اکتشافی است. منابع لازم آن به روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، مشاهدات میدانی نگارندگان و انجام مصاحبه‌های عمیق با ساکنین روستای مورد مطالعه و نیز اطلاعات حاصل از تجربه اجرایی نگارندگان در جریان این بازسازی فراهم شده است. جهت جمع‌آوری داده‌های میدانی با توجه به رویکرد کیفی پژوهش، استفاده از روش اشباع داده‌ها به‌عنوان استاندارد نمونه‌گیری مدنظر بوده است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱)، بنابراین مصاحبه عمیق با مردم روستای عالیشاهی تا حدی پیش رفته که داده‌ها به تکرار رسیده و در حقیقت اشباع شده که این روند، مصاحبه‌های عمیق با ۴۵ نفر از ساکنان روستای عالیشاهی را در پی داشته است. جهت انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش حداکثر اختلاف و موارد شناخته شده (همان) استفاده شده است. سؤالات مورد استفاده در مصاحبه عمیق در راستای موضوع پژوهش و با واژه‌های «چرا» و «چگونه» تدوین شده است^۱.

جهت تحلیل داده‌ها، معیارهای حاصل از مطالعه اکتشافی صورت گرفته در روستای مورد نظر با معیارهای حاصل از مطالعه متون تخصصی مرتبط با موضوع تحقیق تطبیق داده شده و ارزیابی مثبت و یا منفی از امور مختلف انجام گرفته در بازسازی صورت گرفته است.

سیاست درجاسازی و جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی

در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی به‌طور معمول چهار سیاست درجاسازی، تجمیع (ادغام)، توسعه پیوسته (جابه‌جایی بخشی از سکونتگاه) و توسعه منفصل (جابه‌جایی کل سکونتگاه) از سوی دست‌اندرکاران بازسازی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

جدید ممکن است به از دست رفتن منابع معیشتی، از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی، بیگانگی فرهنگی و فقر منجر شود که ترک سایت جدید از جانب مردم و بازگشت به محل زندگی خود را در پی خواهد داشت (Jha et al., 2010).

پس از زلزله سال ۱۳۸۹ فارس، درجاسازی روستای عالیشاهی از توابع شهرستان نورآباد (ممسنی) در حالی صورت گرفت که مداخله در بافت متراکم و پلکانی روستای عالیشاهی در روستاهایی مشابه در شرایط بازسازی و حتی غیر آن به نسخه به ظاهر ساده جابه‌جایی منجر شده بود. این سیاست در بسیاری از موارد به‌عنوان راه‌حلی برای حذف صورت مسئله تجویز می‌گردد و از منظر متولیان و تصمیم‌گیران غالباً پیامدهای حاصل از جابه‌جایی روستائیان، به لحاظ محدودیت زمانی و شرایط ویژه بازسازی قابل توجه می‌نماید. با این حال در اقدامی نو، بنیاد مسکن تصمیم به درجاسازی روستای مذکور ضمن لحاظ کردن دانش بومی روستائیان و مشارکت فعال آنها در بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری تا اجرا گرفت.

در مقاله حاضر در پی بررسی تجربه درجاسازی روستای عالیشاهی به تشریح اثرات انتخاب این رویکرد بر ابعاد مختلف زندگی مردم از جمله معیشت، روابط همسایگی و مانند آن پرداخته شده است.

پرسش‌های تحقیق

۱. سیاست بازسازی و نحوه اجرای آن در بازسازی روستایی عالیشاهی شهرستان نورآباد فارس پس از زلزله سال ۱۳۸۹ چگونه بوده است؟
۲. پیامدهای سیاست درجاسازی این روستا چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و میدان محور بوده و

توسعه منفصل یا جابه‌جایی طبق تعریف ارائه شده از سوی بانک جهانی فرایندی است که به‌وسیله آن دارایی‌های مسکونی جامعه و زیرساخت‌های عمومی در مکان دیگری ساخته می‌شوند. جابه‌جایی سکونتگاه‌ها پس از سوانح تنها در صورتی مجاز است که منجر به کاهش آسیب‌پذیری در مقابل سوانح احتمالی آتی شود، به بیانی دیگر خطر وقوع سانحه ناشی از ویژگی‌های خاص سکونتگاه که منجر به آسیب‌پذیری آن شده، باشد (Jha et al., 2010: 77). در مقابل، درجاسازی الگویی است که در آن روستاهای آسیب‌دیده را به همان نحوی که در پهنه سرزمین استقرار یافته‌اند، بازسازی می‌کنند و روستا بر روی خرابه روستای قبلی شکل می‌گیرد (پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

با وجود این که دولت‌ها هدف از جابه‌جایی سکونتگاه را عموماً کاهش خطر سوانح بعدی اظهار می‌دارند، به علل مختلفی این امر مطلوب ارزیابی نمی‌شود. بازسازی و جابه‌جایی شتابزده سکونتگاه‌ها پس از سوانح، از دست رفتن مالکیت اراضی مردم، بالا بودن هزینه جابجایی نسبت به هزینه درجاسازی و بازسازی در همان مکان و عدم تمایل مردم به جابه‌جایی به محیطی ناآشنا همگی عواملی هستند که موفقیت جابه‌جایی سکونتگاه را تهدید می‌کنند (UNDRO, 1982: 46-47). در جابه‌جایی، گروه‌های قوم و خویش پراکنده می‌شوند، هویت فرهنگی، اقتدار سنتی و پتانسیل کمک متقابل، تحلیل یا به‌طور کلی از دست می‌رود (World Bank, 2005). علاوه بر این جابه‌جایی، دارایی‌های مولد و تولیدی را نابود کرده و آثار زیست‌محیطی شدیدی به‌وجود می‌آورد و همچنین منابع طبیعی ارزشمندی را از بین می‌برد. تحقیقات نشان داده که جابه‌جایی اجباری با افزایش استرس (روحي- روانی و اجتماعی)، از بین رفتن همبستگی اجتماعی، افزایش میزان مرگ و میر و

بیماری‌ها همراه است و مخاطرات بهداشتی دیگری نیز به همراه دارد (Hemadri, Mander, & Nagraj, 1999) و (M. M. Cernea, 1998).

جابه‌جایی سکونتگاه‌ها در طولانی مدت ممکن است از دیدگاه رضایت مردمی موفق نباشند که برخی دلایل این امر عبارتند از:

- زمین‌های امن‌تر غیرقابل دسترسی‌اند.
- منطقه آسیب‌پذیر ممکن است برای فعالیت‌های معیشتی جامعه آسیب‌دیده حیاتی باشد.
- ارزش‌های فرهنگی، نمادین و تاریخی سرزمین تخریب شده برای ساکنان آن، به آسانی قابل انتقال به زمین جدید نیست.
- وابستگی به زمین، نوع الگوهای همسایگی و مجاورت آشنایان و اقوام، از امنیت مسکن برای ساکنان مهم‌تر است.
- جابه‌جایی نیاز به سرمایه‌گذاری فراوان در بخش زیرساخت‌ها دارد.
- جابه‌جایی یک مجتمع زیستی می‌تواند تأثیرات منفی بر تعادل توزیع جمعیتی در سطوح محلی و منطقه‌ای داشته باشد (Aysan & Davis, 1993 : 38-39).
- جابه‌جایی جوامع بستگی به میزان تمایل و خواست آن‌ها به جابه‌جایی به یک محیط جدید دارد که این موضوع خود به عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مربوط است (Wisner et al., 2004). دیویس خاطر نشان می‌کند که مردم ترجیح می‌دهند تا حد امکان در نزدیکی محل زندگی سابق خود و محل امرار معاش خود باقی بمانند و در مقابل تخلیه اجباری از خود مقاومت نشان می‌دهند (Davis, 2002). بنابراین جابه‌جایی سکونتگاه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی تأثیر مهمی در زندگی مردم خواهد داشت (Tercan, 2001).

جنوب و شرق توسط باغات محدود می‌شود. معابر داخل بافت روستا به دو صورت شمالی-جنوبی در راستای شیب و شرقی- غربی به صورت مسطح با عرض‌های مختلف شکل گرفته‌اند.

منطقه مورد مطالعه دارای اقلیم سرد و کوهستانی بوده و میزان کل بارش ثبت شده در منطقه از میانگین بارندگی ایران بیشتر است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰).

با توجه به بافت پلکانی این روستا عموماً بخش دامی در طبقه همکف واحدهای مسکونی و بخش مسکونی در طبقه اول قرار داشت. با در نظر داشتن شیب زمین در برخی موارد این دو طبقه بر روی هم واقع نمی‌شدند. جهت‌گیری بناها با توجه به ویژگی‌های بستر و اقلیم منطقه، به سمت جنوب قرار داشته و بازشوها نیز در جبهه جنوبی تعبیه شده بودند. در ایوان خانه‌ها معمولاً فضایی جهت پخت و پز نان وجود داشته و سرویس بهداشتی نیز خارج از خانه‌ها قرار داشت. در خانه‌های قدیمی‌تر که فاقد حمام بوده‌اند، بعدها حمام در فضای بیرونی ساخته شده، اما در خانه‌های جدیدتر در فضای داخلی، فضایی جهت حمام در نظر گرفته شده بود (تصویر ۱).



ت ۱. نمونه واحدهای مسکونی روستا پیش از بازسازی. (منبع: پناهی، میثم)

کوبرن و همکاران بر این باور هستند که جابه‌جایی در صورتی موفق قلمداد می‌شود که جامعه جدید بر منابع خود استوار بوده و خودکفا باشد. آن‌ها همچنین بر اهمیت تمایل ساکنین و نیز خواست آن‌ها مبنی بر سرمایه‌گذاری در سایت جدید تأکید می‌کنند (Coburn et al., 1984). باید توجه داشت که جابه‌جایی فراتر از صرفاً اسکان مجدد بازماندگان است. این امر میزان تطبیق جامعه با سایت جدید و توسعه آن در دراز مدت را در بر می‌گیرد (Scudder, 1982).

بنابر آنچه گفته شد بانک جهانی پیشنهاد می‌کند که تا حد امکان از جابه‌جایی سکونتگاه‌ها اجتناب کرده و سعی بر درجاسازی آن‌ها باشد (Jha et al, 2010: 83). جابه‌جایی به سایت جدید تنها در صورتی ضرورت دارد که خطری جدی و غیرقابل پیشگیری در سکونتگاه وجود داشته باشد. همچنین در صورت جابه‌جایی سکونتگاه، برخورداری سایت جدید از ویژگی‌های سکونتگاه قدیمی الزامی است (Aysan et al., 1995: 22).

شواهد حاکی از آن است که سیاست جابه‌جایی به‌عنوان اولین و تنها راه حل در بازسازی سکونتگاه‌ها به‌منظور کاهش خطر نباید مدنظر بوده و ضروری است در این مسئله بازنگری صورت گیرد.

معرفی روستای عالیشاهی

بر حسب سلسله مراتب سکونتگاهی فارس، روستای عالیشاهی از توابع شهرستان ممسنی، بخش مرکزی و دهستان جوزار در فاصله ۵۰ کیلومتری تا مرکز بخش (مرکزی) و ۵۰ کیلومتری مرکز شهرستان (نورآباد ممسنی) و ۷ کیلومتری مرکز دهستان (جوزار) استقرار یافته است.

از لحاظ وضعیت توپوگرافی این روستا در یک منطقه کوهپایه‌ای واقع شده و وضعیت استقرار آن به گونه‌ای است که از جهت شمال و غرب به ارتفاعات و از سمت

بازسازی روستای عالیشاهی

در ۱۵ دی ۱۳۸۹ زمین لرزه‌ای با بزرگی ۵/۲ در مقیاس ریشتر در ۷ کیلومتری اردکان مرکز شهرستان سپیدان به‌وقوع پیوست، همچنین در ۱۸ دی ماه همان سال زمین‌لرزه‌هایی با بزرگی‌های ۵ و ۵/۲ در مقیاس ریشتر در ۱۸ کیلومتری شرق نورآباد (ممسنی) استان فارس رخ داد (وب‌سایت پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله). این دو زلزله در مجموع تخریب ۲۴۹۶ واحد مسکونی در بخش روستایی استان فارس را به‌دنبال داشت (معاونت امور بازسازی و مسکن روستایی - دفتر امور بازسازی، ۱۳۹۱).

روستای عالیشاهی بر اثر زلزله‌های مذکور با تخریب ۶۰ درصدی مواجه شد و طبق آمار، ۷۷ واحد مسکونی آن، نیازمند بازسازی بود. عملیات اجرایی بازسازی این روستا پس از وقوع زلزله دی ۱۳۸۹، از تابستان ۱۳۹۰ آغاز گردید (سایت مدیریت بحران کشور، ۱۳۹۱).

تصمیم اولیه برای بازسازی روستای عالیشاهی، جابه‌جایی و انتقال روستائیان به زمین‌های پایین‌دست روستا که کاربری زراعی داشتند، بود (تصویر ۲)؛ اما باید توجه داشت که یافتن شغل و یا حفظ منبع معیشت، چالشی مهم است که برخی افراد در شرایط جابه‌جایی پس از سانحه با آن مواجه می‌شوند (Usamah & Haynes, 2012). خطر اصلی اقتصادی برای مردم تحت تأثیر جابه‌جایی، از دست دادن منبع درآمد و معیشت شامل زمین‌های قابل کشت، منابع رایج مالی شامل جنگل‌ها، زمین‌های مناسب چرای، آب‌های سطحی و زیرزمینی، ماهی‌گیری و ... است که می‌تواند دسترسی و کنترل منابع تولیدی را تغییر دهد (Bartolome et al., 2000). بنابراین عدم تمایل بخشی از روستائیان به‌علت زراعت در سایت پیش‌بینی شده و از دست رفتن منبع اصلی معیشت مردم در صورت جابه‌جایی، بر احتمال شکست اتخاذ این سیاست می‌افزود.

در گذشته در ساخت خانه‌های روستا از مصالح سنگ، چوب و بلوک‌های خشتی استفاده می‌شده و سقف خانه‌ها توسط روش بومی مرسوم در منطقه که در گویش محلی بُشمه نامیده می‌شود، اجرا می‌گردیده است. جهت ساخت بشمه پس از اجرای دیوارها و کار گذاشتن تیرهای چوبی از ساقه‌ها و برگ‌های درخت بلوط و پوشش کاهگل استفاده می‌شود (گرکانی، ۱۳۹۲: ۳۵۰). انطباق محیطی و جغرافیایی کالبد با مکان و استفاده از مصالح بوم‌آورد در ساخت خانه‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های ساخت‌وساز در روستای عالیشاهی قبل از وقوع سانحه بوده است.

طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت روستای عالیشاهی ۲۷۵ نفر در قالب ۶۶ خانوار بوده است، اما در زمان سانحه ۸۶ خانوار در این روستا ساکن بوده‌اند. ساکنین روستا عشایری کوچ‌نشین بوده که طی صد سال گذشته در این مکان ساکن و یکجانشین شده‌اند. از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری روستا، چشمه آب موجود، اراضی مناسب کشاورزی و مراتع مناسب جهت چرای دام است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰). گویش مردم روستای عالیشاهی لری است و آن‌ها یکی از طوایف چهارگانه ایل ممسنی یعنی جاوید هستند. ساختار قشربندی اجتماعی در این منطقه ساختار عشیره‌ای است. در این سازمان سیاسی، شالوده ساختار اجتماعی را مناسبات خویشاوندی پدر تباری تشکیل می‌دهد و یک دودمان پدر تبار، یک واحد اجتماعی محسوب می‌شود. در این ساختار فردگرایی به حداقل خود می‌رسد (ازکیا و یوسفی، ۱۳۸۳).

کشاورزی و باغداری همواره منبع اصلی معیشت در این روستا است. محصولات کشاورزی روستای عالیشاهی شامل برنج و گندم بوده و محصولات باغی آن شامل بلوط، انار، انگور و گردو است.

در این بازسازی مسکن برای یکایک روستائیان طراحی گردید و سعی بر استفاده از فناوری جدید در ترکیب با نشانه‌های بومی منطقه ضمن لحاظ کردن نظرات روستائیان و توجه به خواسته‌های آن‌ها و مشارکت دادن ایشان در مراحل مختلف تصمیم‌گیری تا اجرا بود. زیرا مشارکت در پروژه‌های ساخت مسکن نقش مهمی در توانمند کردن ذی‌نفعان و یا اعضای جامعه برای تبدیل شدن آن‌ها به بخشی از فرایند تصمیم‌گیری که در شکل‌گیری جامعه مؤثر است، دارد (Davidson et al, 2007).



ت ۲. سایت پیش‌بینی شده برای جابه‌جایی روستای عالیشاهی. (منبع: آرشیو بنیاد مسکن)

در ابتدای کار، نقشه روستا شامل معابر و طرح خانه‌ها به‌طور کامل برداشت شده و برای شروع بازسازی و آواربرداری روستا جلساتی با حضور روستائیان برگزار گردید. با توجه به عدم امکان عبور ماشین‌های سنگین به معابر روستا جهت آواربرداری و تخلیه آوار، روستا به هشت محله تقسیم شد (تصویر ۳) و برای آواربرداری هر محله و تخلیه ساکنین به محله‌های همجوار برنامه‌ریزی و زمان‌بندی صورت گرفت و کار بازسازی مسکن در محله‌های آواربرداری شده آغاز گردید. شکل‌گیری گروه‌های همسایگی و معرفی سرگروه به مسئولین بازسازی جهت انجام هماهنگی‌های لازم از جمله اقدامات قابل توجه در این بازسازی است.

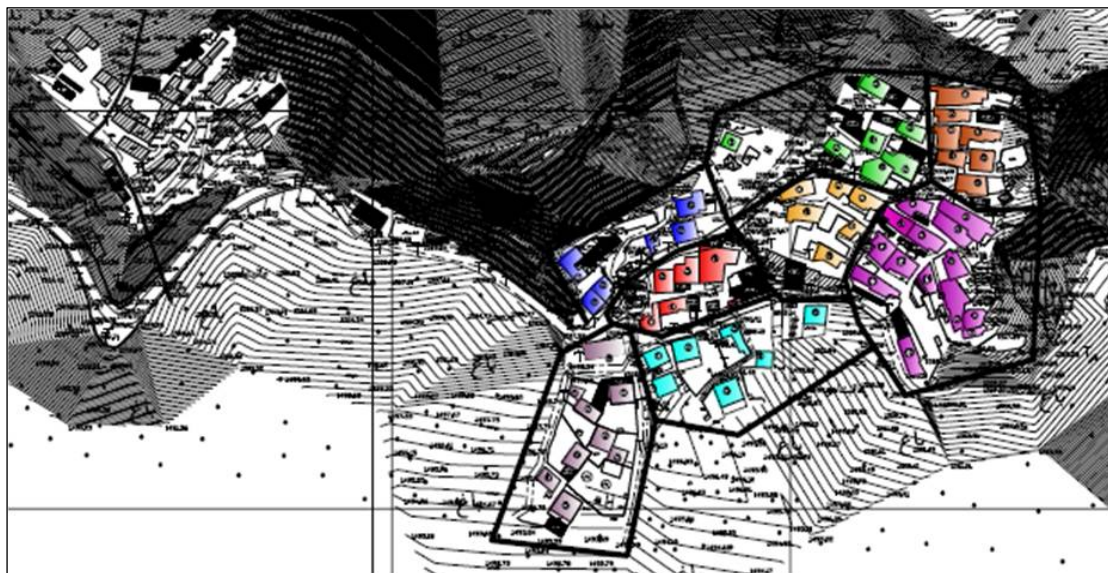
همزمان با بازسازی روستا، طرح هادی مطابق وضعیت بناهای احداثی و با رویکردی توسعه‌ای تهیه گردید. طرح هادی تهیه شده در این بازسازی با توجه به جانمایی بناهای مسکونی در عملیات بازسازی و حداقل عرض مورد نیاز معابر که کم‌ترین تعریض و به تبع آن تخریب را به دنبال دارد، تهیه شد. در این بازسازی طبق نظر طراح و مشاور ژئوتکنیک جهت تثبیت خاک، دفع آب‌های سطحی بالادست، جلوگیری از ورود ماشین به داخل بافت و همچنین سهولت در تخلیه آوار، مسیری سواره‌رو

در نتیجه درجاسازی روستا علیرغم هزینه‌هایی که به‌واسطه تمهیدات لازم برای مقاوم‌سازی دربرداشت، رویکرد انتخاب شده توسط بنیاد مسکن بود؛ ضمن این که برای تدوین صحیح برنامه‌های بازسازی، یافتن پتانسیل‌های توسعه در مناطق آسیب‌دیده ضروری است (Aysan & Davis, 1993: 29). بنابراین فرصت‌ها و سرمایه‌های موجود در روستای عالیشاهی شامل مناظر طبیعی روستا، محصولات باغی، نزدیکی به جاده اصلی، بناهای مسکونی و عمومی تخریب نشده، بر انتخاب رویکرد درجاسازی روستای عالیشاهی بی‌تأثیر نبود.

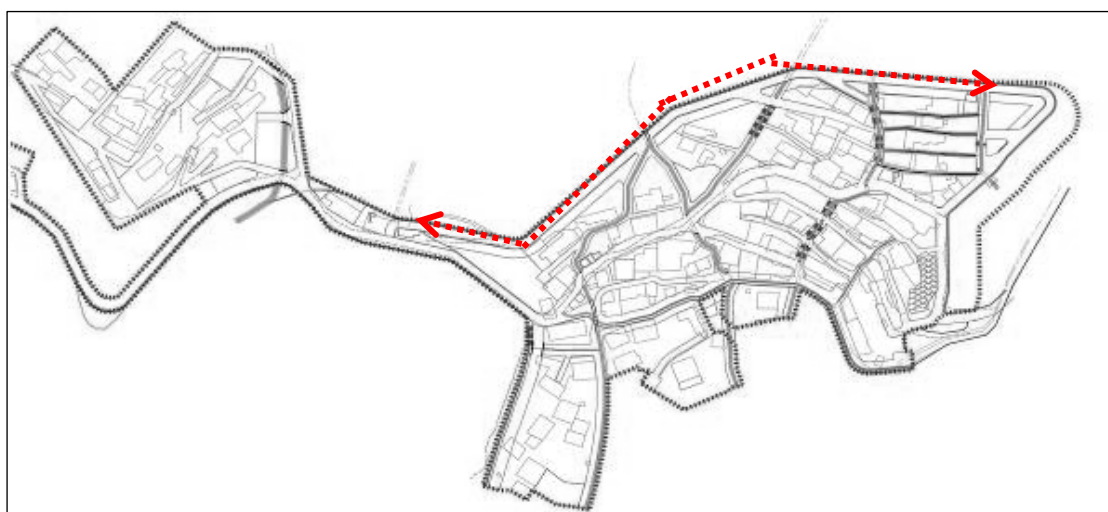
بازسازی روستاهای مجاور روستای عالیشاهی با استفاده از طرح‌های تپ با اسکلت فلزی پیچ و مهره‌ای، که رویکرد مرسوم بنیاد مسکن در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی است، در حال اجرا بود که ظاهراً موجب سهولت کار، سرعت در اجرا و از طرفی کاهش قیمت تمام شده در مقایسه با سایر شیوه‌های ساختمان‌سازی است. اما در بازسازی روستای عالیشاهی رویکردی نوین در مقایسه با بازسازی‌های گذشته اتخاذ شد که شامل به کارگیری رویکرد معماری جمعی با تکیه بر نشانه‌هایی از مسکن روستایی در قبل از سانحه بود.

آب‌های سطحی و فاضلاب‌کشی در محدوده روستا به دلیل وجود لایه‌های ماری، عمیق‌تر و عریض‌تر نمودن پی ساختمان، خاکبرداری سطحی به دلیل فرسوده بودن لایه‌های سطحی، پلکانی کردن یا اجرای دیوار حائل در بخش‌های دارای خطر ریزش، رعایت می‌گردید (یوسفی، ۱۳۹۱) که در مراحل بازسازی لحاظ شد.

در محدوده روستا طراحی و اجرا شد (تصویر ۴) که دسترسی به نقاط مختلف روستا از طریق این مسیر امکان‌پذیر می‌گردید (گرکانی، ۱۳۹۲: ۳۶۱). همچنین طبق گزارش زمین‌شناسی تهیه شده، در صورت درجاسازی باید پارامترهایی شامل تسطیح زمین و پلکانی کردن اراضی در بخش‌های شیب دار، زهکشی و دفع



ت ۳. نقشه محله‌بندی روستا. (منبع: بنیاد مسکن استان فارس)



ت ۴. جاده طراحی شده در اطراف روستا. (منبع: بنیاد مسکن استان فارس)

شدن کنترل از نظارت مراجع قانونی در عمل با مشکلاتی روبرو است (اداره هماهنگی امداد سوانح سازمان ملل متحد، ۱۳۷۱). در این بازسازی نیز جهت اطمینان از به کارگیری استانداردهای ساخت و ساز، دو نفر از کارشناسان بنیاد مسکن با تخصص‌های معماری و سازه مسئولیت طراحی و نظارت بر اجرای واحدهای مسکونی مطابق سیاست‌های تعریف شده را بر عهده داشتند. آواربرداری واحدهای مسکونی به میزان مورد نیاز جهت جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های کالبدی و تاریخی روستا انجام شد و تمامی خانه‌های روستایی به منظور جلوگیری از تغییر همسایگی‌ها و عدم دگرگونی در بافت روستا و در محل قبلی خود درجاسازی شدند. معرفی مکان مورد نظر جهت ساخت و ساز بر عهده روستائیان و با مشورت ناظرین محلی صورت می‌گرفت.

طراحی، که فرایندی از انتخاب راه حل بهینه از بین گزینه‌های مختلف می‌باشد، باید با هدف دستیابی به برترین شرایط ممکن برای تأمین خواسته‌های کاربران انجام گیرد. لذا باید اولویت‌های مورد نظر کاربران در مرحله اول اهمیت قرار گرفته و طراحان در مرحله برنامه‌ریزی این اولویت‌ها را به خوبی شناسایی نمایند (پوردی‌بیمی، ۱۳۹۰). در طراحی مسکن در بازسازی تا حد امکان سعی بر استفاده از الگوهای سابق مسکن در روستا بود. پس از برداشت وضعیت موجود بناهای مسکونی و تکمیل فرم‌های نظرسنجی و مصاحبه با ساکنین، سه طرح الگو همراه با جزئیات اجرایی جهت معرفی سیاست‌ها و رویکردهای طراح به ناظرین محلی ارائه شد و سپس برای هر متقاضی با حضور در دفتر محلی واقع در روستا متناسب با زمین و خواسته‌های ایشان در حدود متراتژ تعیین شده نقشه خاصی تهیه می‌گردید. تصویر شماره ۶ نمونه‌ای از الگوهای مسکن طراحی شده را نشان می‌دهد.

به منظور تفهیم اهمیت استفاده از آوار به‌جامانده به روستائیان و ترسیم وضعیت این روستا پس از بازسازی جلسات توجیهی و آموزشی برای روستائیان برگزار گردید. در این جلسات ضمن بیان ارزش اقتصادی مصالح بازیافتی از آوار و تشریح موارد کاربرد آن‌ها، شرط تخلیه آوار هر واحد و شروع به کار بازسازی مسکن، تفکیک مصالح قابل استفاده از آوار تعریف گردید (تصویر ۵). آوار قابل استفاده شامل چوب، سنگ در و پنجره بود که چوب جهت ساخت سایه‌بان، نرده‌ها و نعل درگاه و سنگ جهت سنگ‌چینی پی، سکو و دیوارهای حائل قابل استفاده بود. هر چند در و پنجره‌های استفاده شده، در نمای واحدهای مسکونی مورد بهره‌برداری قرار نگرفت (گرکانی، ۱۳۹۲ : ۳۵۲-۳۵۳).



ت ۵. تفکیک مصالح قابل استفاده از مصالح آوار.
(منبع: آرشیو بنیاد مسکن)

بلافاصله پس از وقوع سوانح برای افزایش مقاومت بناها و زیرساخت‌ها، مسئله به‌کارگیری کدهای ساختمانی مطرح می‌شود؛ ولی اغلب این مسئله به دلیل ناآشنایی مردم، طولانی شدن زمان اجرا، افزایش هزینه‌های ساخت و ساز، حضور نداشتن مهندسان مجرب و خارج

بسیار مؤثر بوده و علاوه بر همکاری در ساخت بنا، نقشی تعیین کننده در زمینه مسائل کیفی نیز داشت (تصویر ۷). بازسازی اولین واحد در ورودی روستا به منظور ارائه الگو و ترویج استفاده از مصالح بومی، به صورت نمونه شروع شد که در دی ۱۳۹۰ به پایان رسید (تصویر ۸). در این واحد مسکونی از شناژ بتنی و دیوار بنایی با مصالح سنگی با سقف تیرچه و بلوک استفاده گردید و مصالح سنگی به جا مانده از آوار در ساخت دیوارهای حائل بکار رفت. سنگ مورد استفاده در بازسازی مسکن روستا، که مصالح بومی منطقه به شمار می رفت، از بخش اشکان ممسنی فراهم شد.



ت ۶. نمونه مسکن دو طبقه طراحی شده در بازسازی.
(منبع: نگارندگان)

ت ۷. برگزاری جلسات توجیهی با حضور زنان روستایی.
(منبع: نگارندگان)

در جلسات آموزشی که با روستائیان برگزار می شد به روستائیان اینگونه تفهیم شد که طراحی پلان های داخلی به عنوان یک حق فردی در صورت عدم ایجاد اشکال در حوزه مسائل فنی، بر عهده روستائیان است و طراحان در کنار روستائیان به عنوان مشاوران فنی ایفای نقش نمودند. اما در حوزه سیما و منظر روستا، روستائیان حق دخل و تصرف در نمای خانه های خود به عنوان یک حق جمعی را نداشتند و لازم بود تابع طراحی طراحان باشند. تعرض به این حق، تهدیدی برای آینده گردشگری روستا و به عنوان یک عمل غیر اخلاقی به روستائیان معرفی گردید. قابل توجه است که حضور زنان در این جلسات



ت ۸. واحد نمونه ساخته شده در روستا.
(منبع: نگارندگان)



ت ۱۰. بشمه سستی؛ پایین: بشمه در لبه بام مسکن بازسازی شده.
(منبع: نگارندگان)

بررسی پیامدها

با توجه به این که در تحقیق کیفی هدف از انجام پژوهش درک عمیق پدیده مورد بررسی و یافتن علت است، در این پژوهش سؤالاتی به شرح جدول ۱ از مردم پرسیده شد:

سؤال ۱: فرایند تصمیم‌گیری در رابطه با انتخاب رویکرد بازسازی چگونه طی شد؟
سؤال ۲: چرا درجاسازی نسبت به جابه‌جایی ترجیح داده شد؟
سؤال ۳: در فرایند بازسازی نحوه دخالت روستائیان چگونه بوده است؟
سؤال ۴: روستا پس از بازسازی چگونه با روستای پیش از بازسازی شباهت دارد؟
سؤال ۵: خانه ساخته شده در بازسازی در مجموع چگونه ارزیابی می‌شود؟
سؤال ۶: منبع معیشت قبل از زلزله چگونه بوده و بعد از آن چه تغییری کرده است؟
سؤال ۷: روابط همسایگی و خویشاوندی پس از بازسازی چگونه شده است؟
سؤال ۸: زندگی مردم پس از بازسازی چگونه تغییر کرده است؟

ج ۱. سؤالات مطرح شده در مصاحبه‌ها. (منبع: نگارندگان)

در بازسازی روستای عالیشاهی از مبانی طرح شده با عنوان زیباسازی سیمای مسکن روستایی به روش‌های ساده استفاده شد. این طرح علاوه بر زیباسازی سیمای مسکن روستایی، به ترویج فرهنگ زیبا ساختن و آشنایی مجریان و روستائیان با عناصر ساده‌ای که موجب ارتقای کیفیت‌های بصری در روستا می‌گردد، کمک می‌نماید. از سیاست‌های بکار گرفته شده جهت زیباسازی نما در بازسازی این روستا می‌توان از مواردی چون استفاده از مصالح بومی، رنگ، گل و گیاه، بندکشی مصالح نما، و اجرای سکو، ایوان و سایه‌بان نام برد. تصویر شماره ۹ نمونه‌ای از این اقدامات است (گرکانی، ۱۳۹۲: ۳۵۲).

برای بومی‌سازی مسکن جدید علاوه بر استفاده از مصالح سنگی در سطوح نمای ساختمان از تکنیک ساخت بُشمه برای سایبان افقی واحدهای مسکونی و با محاسبات سازه‌ای لازم استفاده شد. همان‌گونه که استفاده از سنگ اولین بار با اجرای واحد نمونه فراگیر شد، اجرای بشمه نیز به همین ترتیب ترویج شد. بشمه توسط اهالی و با مصالح به‌جا مانده از آوار توسط روستائیان اجرا گردید (تصویر ۱۰). بشمه علاوه بر کارکرد سایه‌بان جهت حفظ هویت بومی و احترام به سنت‌ها و دانش بومی منطقه اجرا شد (همان: ۳۵۷).



ت ۹. اجرای دیوار آجری به صورت نما. (منبع: نگارندگان)

با توجه به سؤالات مطرح شده، در ادامه نتایج حاصل از این پژوهش ارائه شده است:

- در بازسازی صورت گرفته در روستای عالیشاهی جهت حفظ منابع معیشتی مردم، که شامل زمین‌هایی بود که برای جابه‌جایی روستا در نظر گرفته شده بود، سیاست درجاسازی با در نظر گرفتن تمهیدات لازم جهت تأمین ایمنی در مقابل سوانح احتمالی آینده در پیش گرفته شد. این در حالی است که بنابر اظهارات روستائیان در صورت جابه‌جایی، بازگشت مردم به روستای سابق جهت دسترسی به منابع معیشتی اجتناب‌ناپذیر بود.

- پس از وقوع سوانح مختلف نظیر زلزله حجم زیادی از آوار و نخاله‌های ساختمانی بر جای می‌ماند که علاوه بر ارزش اقتصادی آن‌ها، می‌توانند منبعی برای تأمین مصالح مورد نیاز جهت ساخت مجدد خانه‌ها باشند. استفاده از آوار به‌جامانده در بازسازی مسکن تا حد امکان از مواردی بود که در بازسازی صورت گرفته بدان توجه شد.

- تغییر سیاست استفاده از طرح‌های تپ در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی و طراحی برای یکایک متقاضیان از دیگر اقدامات صورت گرفته در این بازسازی است.

- یکی از ایده‌های طراحی در این بازسازی تجمیع واحدهای مسکونی و حفظ واحدهای همسایگی مطابق شرایط مسکن قبل از سانحه بود که از منظر تئوری قابل توجه و از محاسن مبانی بکار گرفته شده در این بازسازی است. اما در اجرا پس از اتمام کار برخی از روستائیان با تغییراتی نامطلوب از منظر به‌کارگیری مصالح به‌لحاظ فنی و زیبایی‌شناختی اقدام به تفکیک فضاهای مشترک واحدهای مجاور نموده‌اند.

به‌نظر می‌رسد روستائیان به میزان کافی از مزایای طرح‌های تجمیع آگاه نبوده و آموزش‌های لازم در این خصوص صورت نگرفته است، هر چند تأثیر فرهنگ

شهرنشینی و به تبع آن ترویج روحیه فردگرایی را نمی‌توان نادیده گرفت.

- برگزاری جلسات آموزشی و نیز ساخت واحد نمونه در آغاز کار بازسازی علاوه بر مشارکت روستائیان، تضمین‌کننده ادامه روند ساخت مسکن به شکل ارائه شده پس از اتمام دوران بازسازی در این روستا بود.

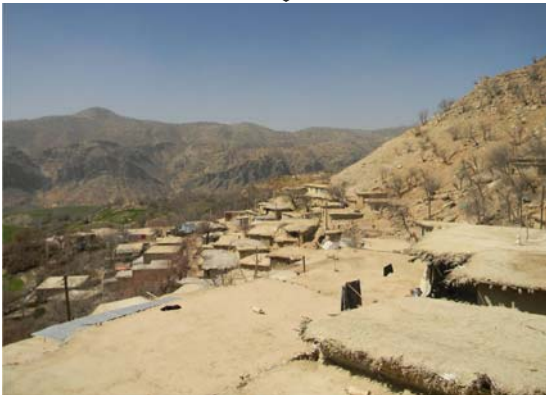
- در بازسازی روستای عالیشاهی سعی بر این بود که حداقل تغییر در سیمای روستا صورت گیرد و حفظ الگوی بافت، قطعات زمین و حفظ مالکیت‌ها نیز با همین هدف صورت گرفت. عدم تغییرات ظاهری علاوه بر این‌که محیط زندگی روستائیان را تغییر نداده و آن‌ها را یک‌باره وارد محیط جدیدی نمی‌کند، موجب می‌شود که سیمای روستایی منطقه حفظ شود. اما با توجه به محدودیت‌های سیستم ساخت‌وساز سنتی منطقه، بنیاد مسکن ناچار به تغییر فناوری ساخت و جایگزین کردن آن با فناوری جدید گردید.

در اینجا می‌توان از دو دیدگاه موضوع تغییر سیمای روستا را مورد بررسی قرار داد، دیدگاه ناظر بیرونی و دیدگاه ناظر درونی (ساکنین روستا).

از دید یک ناظر بیرونی که از فاصله‌ای دور نظاره‌گر روستا است، با توجه به ساخت واحدهای مسکونی در مکان قبلی خود و با توجه به این که در راستای هدف حفظ سیمای روستا سعی بر آن بود تا نشانه‌هایی از مسکن سنتی در مسکن بازسازی شده آورده شود، سیمای روستایی حفظ شده و تغییر چندانی به‌نظر نمی‌رسد (تصویر ۱۱).

با این وجود هنگامی که به‌عنوان یک ناظر بیرونی قدم به روستا بگذاریم، علیرغم وجود تشابهاتی که تصاویر گذشته از روستا را زنده می‌کند، تغییرات گسترده در سیمای روستا (از طرفی خاطرات روستائیان) انکارناپذیر است. استفاده از سنگ به‌صورتی که در گذشته به این

پیش از طراحی مسکن در جریان بازسازی، فضای داخلی مسکن به علت تغییرات محدود که با سلیقه، خواسته‌ها و نیازهای مردم همخوانی دارد، موجب رضایت مردم شده، با این حال تغییر در نوع مصالح و شیوه ساخت به‌طور محسوسی فضای زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. - به نظر می‌رسد گستردگی به‌کارگیری مصالح سنگی در جداره‌ها و کف‌سازی از کیفیت و تنوع کار کاسته و لازم بود ضمن تفکر بیشتر در میزان استفاده از سنگ از الگوهای روستایی استفاده می‌شد و تمهیدات لازم جهت کاشت درختان با توجه به ویژگی‌های روستا در اجرای طرح هادی در نظر گرفته می‌شد.



ت ۱۲. بالا: منظر روستای عالیشاهی پیش از سانحه، دید از بالای روستا. (منبع: بنیاد مسکن استان فارس)
منظر روستای عالیشاهی پس از سانحه، دید از بالای روستا. (منبع: انصاری، عبدا...)

وسعت مرسوم نبوده منجر به دگرگونی چهره روستا شده است. استفاده از بشمه طراحی شده توسط بنیاد مسکن گرچه قدمی مثبت در راستای عدم تغییر سیمای ظاهری مسکن بوده است، اما وجود تفاوت‌های ظاهری و فنی آن‌را نمی‌توان نادیده گرفت.

همچنین می‌توان به تغییر چهره روستا هنگامی که از بالا به پایین نظاره شود، اشاره کرد. با توجه به پلکانی بودن روستا، توجه به این دید لازم بود مد نظر باشد و از مصالح و تکنیک‌های بومی جهت ایزولاسیون بام استفاده گردد (تصویر ۱۲).

- با توجه به مطالعات صورت گرفته در مسکن سستی



ت ۱۱. بالا: منظر روستای عالیشاهی پیش از بازسازی؛ پایین: منظر روستای عالیشاهی پس از بازسازی. (منبع: پناهی، میثم)

در ادامه در جدول ۲ بررسی تطبیقی مسکن روستای عالیشاهی قبل و بعد از بازسازی ارائه گردیده است.

بعد از بازسازی		قبل از بازسازی		عناصر معماری	
	متراکم و پلکانی		متراکم و پلکانی	بافت	ویژگی های معابر
	تنوع و انسداد مسیرها		تنوع و انسداد مسیرها		
	تبعیت جهت معابر از شیب		تبعیت جهت معابر از شیب		
	کف سازی مناسب و سهولت جابه جایی اما با ظاهری شهری		کف سازی نامناسب و مشکل در جابه جایی		
	پلکانی و متناسب با شیب		پلکانی و متناسب با شیب	سیمای روستا	
	پلان باز، دسترسی بین فضاها بطور ساده- پرونگرایی در پلان		پلان باز، دسترسی بین فضاها بطور ساده- پرونگرایی در پلان	طرح مسکن	
	یک طبقه و دو طبقه		یک طبقه و دو طبقه	تعداد طبقات	
	سنگ و آجر		سنگ و خشت	دیوار	تأثیر
	گچ و سنگ در فضای اتاق ها و کاشی در آشپزخانه و سرویس بهداشتی		عموماً کاهگل، برخی موارد گچ	نازک کاری داخلی دیوارها	
	تیرچه بتنی و بلوک بتنی بشمه طراحی شده توسط بنیاد مسکن: الوار چوبی، شاخه های بلوط، کاهگل		بشمه: تیرک های چوبی از چوب بلوط و سپیدار، شاخ و برگ درخت بلوط، کاهگل مسطح شده	سقف	
	گچ		فاقد نازک کاری، تیرک های چوبی	نازک کاری داخلی سقف ها	
	نمای سنگی و آجری بندگشی شده		فاقد نما سازی یا نمای کاهگل	نما	
	موزائیک در کف اتاق ها و سرامیک در کف آشپزخانه و سرویس بهداشتی		سیمان	کف	
	فلزی عموماً با رنگ آبی، نعل درگاه چوبی		فلزی عموماً با رنگ آبی و تعداد معدود چوبی بدون رنگ، نعل درگاه چوبی	در و پنجره	
شناژ بتنی عمودی و افقی و دیوار باربر سنگی و آجری	دیوار باربر با استفاده از خشت، سنگ و بلوک سیمانی	سیستم سازه			
اختصاص عملکرد مشخص به فضاها (نام گذاری کاربری اتاق ها)	عدم اختصاص عملکرد مشخص به فضاها	عملکرد فضاها			
به صورت تفکیک شده	به صورت تفکیک شده	ورودی دام و انسان			
تأکید بر ورودی و اجرای ایوان	تأکید بر ورودی و اجرای ایوان	سردرب ورودی			
عدم دخالت مجریان بازسازی در فضای داخلی، همسان سازی نما	شکل گیری روستا به طور تدریجی (عدم دخالت دولت) طراحی و اجرا با استفاده از دانش و مصالح بومی در روستا توسط روستائیان	مشارکت			
توسط پیمانکار و در مقاطعی روستائیان، با نظارت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	تعلق به مکان به لحاظ داشتن هویت مکانی و زمانی	حس تعلق به مکان			
تعلق به مکان به علت به کارگیری مصالح و دانش بومی	دامداری و کشاورزی	معیشت			
دامداری و کشاورزی و درآمد حاصل از گردشگری					

ج ۲. بررسی تطبیقی روستای عالیشاهی قبل و بعد از بازسازی. (منبع: نگارندگان)

مسکن خود را دارند. همه این موارد نشان‌دهنده بالا رفتن توقعات مردم در خلال بازسازی است.

- از جمله مواردی که اهالی روستای عالیشاهی همواره در شکایت از مسکن سنتی مطرح می‌نمودند، لزوم تعمیر و نگهداری همیشگی دیوارهای خشتی و سقف‌های کاهگلی است. ضمن این که روستائیان همواره یکی از مهم‌ترین دلایل رضایت از مسکن بازسازی شده را عدم نیاز به تعمیر و نگهداری مکرر همچون مسکن سنتی بیان می‌کردند. با توجه به استفاده از مصالح و نیروی کار بومی، تعمیر و نگهداری هزینه چندانی برای روستائیان در بر نداشته است، بنابراین مردم در پی آسایش و رفاه ناشی از عدم نیاز به تعمیر و نگهداری هستند. ضمن این که نوع مصالح و تکنیک به کار گرفته شده در ساخت مسکن سنتی، فضای مناسب زیست حشرات موذی را فراهم کرده بود. در مسکن بازسازی شده این مسائل مرتفع شده و رضایت مردم را به دنبال داشته است.

- در ساخت مسکن در روستای عالیشاهی علیرغم لحاظ نکردن عایق‌های حرارتی و رطوبتی لازم طبق آیین‌نامه‌های موجود در جداره های خارجی بنا، با توجه به ضخامت ۴۰ سانتی‌متری دیوارهای سنگی و ظرفیت حرارتی بالای سنگ بکار گرفته شده در ساخت واحدهای مسکونی، دمای هوا در فضای داخلی نسبتاً مطلوب بوده و از نقطه نظر روستائیان دمای فضای داخلی ساخته شده در واحدهای سنگی نسبت به خانه‌های خشتی مطلوب و نسبت به واحدهای ساخته شده با سازه اسکلت فلزی پیچ و مهره‌ای و بلوک‌های سفالی مطلوب‌تر است. بنابراین مسکن ساخته شده با اقلیم منطقه متناسب است.

در جدول شماره ۳، محاسن و معایب بازسازی صورت گرفته با توجه به معیارهای استخراج شده از مبانی نظری به‌صورت خلاصه آورده شده است.

- رضایت‌مندی روستائیان و مشارکت بالای ایشان در فرایند بازسازی از نکات مثبت این پروژه است و در موضوعات مختلف بازسازی از جمله انتخاب فناوری، برقراری ارتباط از طریق بزرگان اقوام که مورد احترام همه روستائیان بوده و نیز دارای درک مناسب جهت تفهیم خواسته‌های علمی مجریان، ارتباط دوسویه به خوبی صورت گرفته است. لحاظ شدن نظر مردم در فرایند بازسازی و مشارکت آن‌ها در مرحله طراحی و انتخاب فناوری ساخت امری است که روستائیان بدان اذعان دارند. با این حال با توجه به محدودیت زمانی در بازسازی و نیز استفاده از فناوری نوین که مردم روستایی با نحوه بکارگیری آن آشنایی لازم را نداشتند، در فرایند ساخت‌وساز از پیمانکار غیر بومی استفاده شد و پیمانکار ملزم به استفاده از نیروهای محلی و بومی روستا گردید.

- تعادل در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم لازم است مدنظر باشد. در جریان بازسازی روستای عالیشاهی توجه به خواسته مردم و نیز بازدیدهای مکرر صورت گرفته توسط مسئولین با توجه به تغییر فناوری مورد استفاده و لقب «روستای نمونه گردشگری» که از آغاز بازسازی به روستا داده شده است، باعث شده که مردم روستایی متوقع شده و حتی در زمینه‌هایی از ساخت که آموزش لازم جهت انجام آن‌ها توسط خود روستائیان صورت گرفته، کوتاهی کنند و انجام آن‌ها را منوط به دریافت دستمزد از بنیاد مسکن بدانند. نمونه این موضوع ساخت آتشدان پیشنهاد شده توسط بنیاد مسکن در ایوان‌هاست که طبق اظهارات خود مردم مطلوب بوده، اما انتظار می‌رود که بنیاد مسکن جهت ساخت آن‌ها اقدام کند. علاوه بر این، با وجود درج‌سازی واحدهای ساخته شده و حداقل تغییر در ابعاد خانه، در برخی موارد از ابعاد مسکن خود ابراز نارضایتی می‌کنند. همچنین برخی مردم همچنان تقاضای وام‌های کم‌بهره جهت اتمام بازسازی

نظریه پرداز	نظریه	تجربه بازسازی روستای عالیشاهی
GFDRR	لزوم تعادل بین موضوع ایمنی و معیشت مردم (GFDRR, 2012).	- ترجیح درجاسازی به جابه‌جایی جهت حفظ منبع معیشت و مقاوم‌سازی در سایت موجود
Brown, Milke and Seville	تأمین بخشی از مصالح مورد نیاز ساخت‌وساز و نیز کاهش هزینه‌های حمل و نقل مصالح، کاهش فضای مورد نیاز جهت دفن آوار و اشتغال‌زایی موقت پس از سانحه با بازیافت مصالح (Brown et al., 2011).	- استفاده از آوار به‌جا مانده در بازسازی مسکن تا حد امکان
Fried	تهدید دلبستگی موجود فرد به مکان با تغییرات ناگهانی شدید و تخریب محیط کالبدی و اجتماعی (Fried, 1963: 123).	- عدم تغییر در بافت روستا به‌علت درجاسازی واحدها - برآوردن فضاهای مورد نیاز زندگی ساکنین - تغییر چهره روستا هنگام نظاره روستا از بالا به پایین
Eckbo	اهمیت و قدرت تأثیرگذاری الگوهای اجتماعی، آداب و رسوم، قوانین و سنت‌های انسانی و در یک کلام فرهنگ بر منظر (Eckbo, 1969: 3).	- یکنواختی مصالح به کار رفته در معبر و عدم توجه به منظر طبیعی و پوشش گیاهی موجود
Alexander	مسکن فرایندی است متناسب با نیازها و علایق صاحب‌خانه و نه پکیجی آماده (Alexander et al., 1973).	- تغییر سیاست استفاده از طرح‌های تپ و طراحی برای یکایک روستائیان
فاضلی	لزوم توجه به مقوله حریم خصوصی در جوامعی که فردیت گسترش یافته است (فاضلی، ۱۳۸۶).	- تغییر در طرح‌های تجمیع واحدهای مسکونی
Jigyasu	اهمیت آموزش ویژگی‌های اولیه مصالح ساختمانی و استفاده مناسب و مطلوب از آن‌ها در «انتقال فناوری» ^۳ (Jigyasu, 2010).	- برگزاری جلسات آموزشی و نیز ساخت واحد نمونه - برگزاری برنامه‌های آگاه‌سازی
Davidson	لزوم آموزش مردم برای جلب مشارکت (Davidson et al., 2007).	- لحاظ شدن نظر مردم در فرایند بازسازی و مشارکت آن‌ها در مرحله انتخاب فناوری ساخت و طراحی
GFDRR	لزوم مشارکت مردم و کارشناسان به‌صورت توانمند در برنامه‌ریزی بازسازی (GFDRR, 2012).	- پایین بودن مشارکت روستائیان در مرحله ساخت
Lizarralde	اهمیت شناخت نیازها و انتظارات جامعه محلی ضمن توجه به عدم برآوردن بی‌چون و چرای آن‌ها با توجه به محدودیت‌های دوران بازسازی (Lizarralde, 2010).	- بالا رفتن توقع مردم در جریان بازسازی
Aysan & Davis	برقراری شرایط گذشته جامعه آسیب‌دیده با استنادی به مراتب بالاتر در بازسازی (Aysan & Davis, 1993).	- رفع مشکلات مسکن قدیم در بازسازی
Edwards & Turrent	بالا رفتن هزینه مصرف انرژی و لزوم استفاده از ابزار و وسایل مکانیکی در صورت عدم توجه به شرایط محیطی در معماری و ساخت مسکن (Edwards & Turrent, 2013: 33-34).	- آسایش ساکنین به لحاظ حرارتی به‌علت استفاده از مصالح متناسب با اقلیم

ج ۲. محاسن و معایب درجاسازی روستای عالیشاهی. (منبع: نگارندگان)

بازسازی مسکن در این روستا در قدم اول در راستای تحقق هدف مقاوم سازی در مقابل سوانح صورت گرفت و به میان آمدن مبحث جابه جایی در این بازسازی نیز در همین راستا بود. اما با توجه به موضوع مهم معیشت، سیاست درجاسازی اتخاذ شد که رضایت مردم را در پی داشت.

با توجه به درجاسازی مسکن در بازسازی، سیمای کلی روستا همانند پیش از سانحه حفظ شده است. اما مسکن ساخته شده که با این تصور شکل گرفته که قرابت بیشتری با نوع زندگی و فرهنگ مردم روستایی داشته و با تصویر ذهنی مردم از خانه روستایی تطابق بیشتری دارد، علیرغم همه اقدامات مثبت صورت گرفته، به اذعان مردم منجر به تغییر سیمای محل زندگی آنها شده است.

ایجاد ارتباط دو سویه بین روستائیان و بنیاد مسکن و لحاظ شدن خواسته های مردم در بازسازی تا حد امکان، بالا رفتن میزان مشارکت در فرایند طراحی را به دنبال داشته است و برخلاف تصور رایج که استفاده از مصالح بومی و تکیه بر دانش ضمنی روستائیان، منجر به کاهش سرعت بازسازی می شود، با وجود کند پیش رفتن بازسازی در مراحل اولیه، در مقایسه با روستاهای مشابه طبق برنامه زمانی از پیش تعیین شده انجام گردیده است. با این حال با توجه به محدودیت های دوران بازسازی برخلاف مشارکت بالای مردم در فرایند طراحی و انتخاب فناوری، میزان مشارکت در فرایند ساخت کاهش یافته است. در اجرای عملیات ساخت و ساز در بازسازی پس از سوانح، همواره دو سیاست پیمانکار محور و مردم محور پیش روی مجریان بازسازی است. در بازسازی روستای عالیشاهی با توجه به نوین بودن شیوه ساخت واحدهای مسکونی و از طرفی محدودیت های زمانی در

پروژه های بازسازی و احتمال شکست پروژه و استفاده از اسکلت های پیچ و مهره ای در صورت طولانی شدن زمان ساخت، از پیمانکار غیر بومی استفاده شد و پیمانکار ملزم به استفاده از نیروهای محلی و بومی روستا گردید. در ادامه کار به منظور توانمند نمودن روستائیان و با توجه به آموزش های صورت گرفته سیاست پیمانکار محور، به مدل مردم محور تغییر یافت و در تکمیل واحدها، روستائیان نقش اصلی را داشتند. در عین حال توجه به خواسته ها و نیازهای مردم و نیز بازدیدهای مکرری که ناشی از تغییر فناوری در روستای عالیشاهی بوده، موجب بالا رفتن توقعات مردم در روستای عالیشاهی شده و پس از اتمام دوران بازسازی مردم همچنان در انتظار کمک های مالی و فنی دولت می باشند.

این تجربه تا حدودی در اجرای این نظریه موفق بود که گرچه نمی توان در حوزه طراحی پلان مسکن روستایی دخالت هایی وسیع نمود اما در طرح نما به عنوان یک حق جمعی در روستا می توان نظارت داشت و از تخریب سیمای روستاها جلوگیری کرد. و اگذار کردن طراحی داخلی واحدهای احداثی به مردم این امکان را به آنها می دهد که فضاهای مورد نیاز خود را تأمین کرده و پس از اتمام دوران بازسازی حداقل تغییرات را در واحدهای مسکونی انجام دهند.

در طراحی واحدهای مسکونی با توجه به استفاده از مصالح سنگی که ظرفیت حرارتی بالایی دارد و با اقلیم سرد منطقه سازگاری دارد، آسایش ساکنین در فضاهای داخلی تأمین شده است.

جهت رفع معایبی که در تجربه درجاسازی روستای عالیشاهی رخ داده است، پیشنهادهایی ارائه شده است:

- تلاش بر استفاده از الگوها و مصالح بومی در راستای حفظ منظر روستایی
- تعادل در توجه به خواسته های مردم

- توانمندسازی و آموزش از طریق درگیر کردن مردم در مراحل مختلف (استفاده از مدل مردم محور^۴ در فرایند ساخت)

- توجه همه جانبه به منظر روستا در هنگام طراحی مسکن و محیط روستا

- توجه به تغییرات فرهنگی جامعه روستایی در جریان بازسازی

در مجموع می توان اظهار داشت که محاسن درجاسازی روستای عالی شاهی نشان داد که در بسیاری موارد جابه جایی روستاها پس از وقوع سانحه تنها راه حل پیش روی نمی باشد و بهتر آن است که به دنبال یافتن و بکار گرفتن راهکارهایی برای درجاسازی روستاهای آسیب دیده بود زیرا درجاسازی روستا حتی با هزینه های اولیه بالاتر به مراتب گزینه مناسب تری نسبت به جابه جایی و انتقال روستا است.

پی نوشت

۱. مطالعه موردی برای پرسش هایی که با "چطور" و "چرا" شروع می شوند، بسیار مناسب است. یک سؤال تحقیق روشن و دقیق، تلاش های بعدی را در یک مطالعه موردی متمرکز می کند. موضوع دوم در طراحی مطالعات موردی این است که چه چیز را باید تحلیل کرد. "مورد" ما چیست؟ در بسیاری از مواقع، یک مورد، فردی خاص، چندین فرد، یک رویداد یا چندین رویداد است (سید امامی به نقل از ویمر و دومنیک، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

۲. عده ای برآنند که در شرایط پس از سانحه می بایست به تقلید از گذشته روستائیان پرداخت و به مانند قبل از سانحه مطابق مصالح و دانش بومی روستائیان طراحی نمود و عده ای دیگر به تبع ناکارآمدی سازه های سنتی در حین زلزله رو به سوی معماری وارداتی شهری برده و نسخه ای بی توجه به معماری گذشته روستائیان و به تقلید از معماری شهرهای اطراف تجویز می نمایند. دیدگاه سوم به راهبردی می پردازد به گونه ای که ضمن توجه و احترام به دانش بومی روستائیان و مصالح موجود در منطقه سانحه و بهره گیری از نشانه های معماری روستای قبل از سانحه طرح هایی ارائه گردد که منطبق بر اصول فنی رایج بر

نظام مهندسی ساختمان بوده و پاسخگوی شرایط بحران به لحاظ زمانی نیز باشد. هدف از ارائه این راهبرد به هیچ وجه نگاهی تقلیل گرایانه به سنت ها و ارزش های روستایی و یا صرفاً گرته برداری ظاهری از خانه روستایی نیست بلکه پاسداری از ارزش هایی است که در بن مایه روستاها و روستائیان وجود داشته و امروزه در حال احتضار است (گرکانی، ۱۳۹۲: ۲۱۱-۲۱۳).

۳. به کارگیری یک فناوری که پیش از این در منطقه رایج نبوده است (Barakat, 2003).

۴. مدل مردم محور بر توانمندسازی جوامع، به منظور انجام کارهای ساختمانی توسط خود آسیب دیدگان تأکید دارد. البته برنامه ریزی برای طرح های خودیاری باید با ارزیابی مهارت ها و تخصص های افراد جامعه برای به عهده گیری امور، همراه باشد. خودیاری زمانی ممکن است که نیروی کار موجود باشد، طراحی خانه ها نسبتاً ساده است، مردم با ساخت خانه آشنایی دارند و محدودیت زمانی وجود ندارد. در این صورت خانواده ها می توانند به ساخت مسکن خود بپردازند و کمک هایی از قبیل تأمین مصالح ساختمانی و راهنمایی های فنی و کارشناسی نیز به آنها داده شود (Barakat, 2003).

فهرست منابع

- اداره هماهنگی امداد سوانح سازمان ملل متحد. (۱۳۷۱)، سرپناه پس از سانحه- رهنمودهایی در زمینه امداد، مرکز تحقیقات مسکن و ساختمان، وزارت مسکن و شهرسازی.

- ازکیا، مصطفی؛ یوسفی، جلال. (۱۳۸۳)، دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی، نامه انسان شناسی، سال سوم، شماره ۶، صص ۳۷-۱۵.

- بشیری، مهسا. (۱۳۹۲)، مطالعه مقایسه ای بازسازی مسکن در روستاهای عالی شاهی و دره پلنگی پس از زلزله ۱۳۸۹ فارس از دیدگاه فناوری، پایان نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- بشیری، مهسا؛ سرتیپی پور، محسن؛ بشیری، سعیده. (۱۳۹۲)، بررسی دخالت در مسکن روستایی پس از جابه جایی و تجمیع روستایی ناشی از وقوع سانحه، مطالعه موردی: روستای قپان سفلی، سیل ۸۴ استان گلستان، اولین کنفرانس بین المللی مخاطرات محیطی.

- Alexander, Christopher, Cox, Mike, Abdelhalim. Hazzard, Ed, Kural, Ilhan, Schukert, Marty. (1973), THE GRASS ROOTS HOUSING PROCESS.
- Aysan, Yasmin, Clayton, Andrew, Cory, Alistair, Davis, Ian, Sanderson, David. (1995), Developing Building Improvements for Safety Programs: Guidelines for Organizing Safe Building Improvement Programs in Disaster-prone Areas, London: Intermediate Technology Publications.
- Aysan, Yasmin, Davis, Ian. (1993), Rehabilitation and Reconstruction. 1st ed. UNDP AND DHA.
- Barakat, Sultan. (2003), Housing Reconstruction after Conflict and Disaster, Network Paper, No. 43.
- Bartolome, Leopoldo Jose, De Wet, Chris, Mander, Harsh, Nagraj, Vijay Kumar. (2000), Displacement, resettlement, rehabilitation, reparation, and development, Citeseer.
- Brown, Charlotte, Milke, Mark, Seville, Earika. (2011), Disaster waste management: A review article. Waste management, 31(6), 1085-1098.
- Cernea, M.M. (1998), Impoverishment or Social Justice? A Model for Planning Resettlement. Oxford, New Delhi.
- Coburn, Andrew W., R. J. Spence, and A. Pomonis. (1991), Vulnerability and risk assessment. UNDP/UNDRO Training Module. UNDP/UNDRO Disaster Management Training Programme.
- Davidson, Colin, Cassidy Johnson, Gonzalo Lizarralde, Sliwinski, Alicia, Dikmen, Nese. (2007), Truths and myths about community participation in post-disaster housing projects, Habitat International, Vol. 31, pp. 100-115.
- Davis, Ian. (2002), Shelter after Disaster, notes of a lecture given at Cranfield University, UK.
- Eckbo, G. (1969), The Landscape We See, McGRAW-HILL BOOK COMPANY, New York.
- Edwards, Brian, Turrent, David. (2013), Sustainable housing: Principles and practice. Taylor & Francis.
- Fallahi, Alireza. (1993/94), Learning from the Lessons of the Post-Earthquake Reconstruction Projects in Iran: An Introduction, the Australian Journal of Disaster Management, the Macedon Digest, Vol. 8, No. 4, Emergency Management Australia, pp. 19-23.
- Fried, M. (1963), Grieving for a lost home. In L. J. Duhl (Ed.), The urban condition, pp. 151-171. New York: Basic Books.
- GFDRR. (2012), GFDRR Annual Report 2012.
- Hemadri, R., H. Mander, and V. Nagraj. (1999), Dams, Displacement, Policy and Law in India. Prepared for Thematic Review.
- Jigyasu, Rohit. (2010), Appropriate Technology for Post-disaster Reconstruction, Rebuilding after Disasters from emergency to Sustainability, pp. 49-69.
- K. Jha, Abhas, Dwayne Barnestein, Jennifer, M. Phelps, Priscilla, Pittet, Daniel, Sena, Stephen.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان فارس. (۱۳۹۰)، طرح هادی مجموعه روستای عالیشاهی و دره پلنگی.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.
- پهلوانزاده، حمیده؛ رضوانی، محمدرضا؛ محمدی استاد کلایه، امین. (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیش‌کمر-استان گلستان)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷.
- حبیب، فرح؛ گرکانی، سید امیرحسین؛ مختاباد امرئی، سید مصطفی؛ رحیم‌بخش، فاطمه. (۱۳۸۹)، تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستای «باباپشمان استان لرستان» پس از جابه‌جایی با تأکید بر نشانه‌های مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۱۸۷-۲۰۲.
- رحمتی، محمد مهدی. (۱۳۸۵)، دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۲.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱)، نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال دهم، شماره ۳، صص ۲۳۸-۲۵۰.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
- گرکانی، امیرحسین. (۱۳۹۲)، ملاحظاتی بر طراحی خانه روستایی در بازسازی پس از سانحه، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- معاونت امور بازسازی و مسکن روستایی- دفتر امور بازسازی. (۱۳۹۱)، گزارش اجمالی سوانح اخیر کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ویمر، راجر دی؛ دومنیک، جوزف آر. (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، سیدامامی، کاووس، انتشارات سروش، تهران.
- یوسفی، طهمورث. (۱۳۹۱)، بررسی زمین‌شناسی روستای عالیشاهی - دره پلنگی از توابع ممسنی، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، مدیریت زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی جنوب(شیراز).

(2010), Safer Homes, Stronger Communities (a Handbook for Reconstructing after Natural Disasters), the World Bank.

-Lizarralde, Gonzalo. (2010), Post-disaster Low-cost Housing Solutions Learning from Poor, Rebuilding after Disasters from emergency to Sustainability, pp. 25-48.

-Oliver-Smith, Anthony. (1991), Successes and Failures in Post-Disaster Resettlement, Disasters, Volume 15, Number 1, pp 12-19.

-Sadiqi, Zabihullah, Vaughan Coffey, and Bambang Trigunarsyah. (2011), Post-disaster housing reconstruction: challenges for community participation, Proceedings of the International Conference on Building Resilience: Interdisciplinary approaches to disaster risk reduction, and the development of sustainable communities.

-Scudder, T. (1985), A Sociological framework for the analysis of new land settlements. Putting people first: Sociological variables in rural development, p. 121-153.

-Tercan, Binali. (2001), Post Earthquake Relocation Process in Yalova, Unpublished

-UNDRO. (1982), Shelter after Disaster, Guidelines for Assistance, New York.

-Usamah, M., Haynes, K. (2012), An examination of the resettlement program at Mayon Volcano: what can we learn for sustainable volcanic risk reduction?. Bulletin of volcanology, 74(4), 839-859.

-Wisner, Ben, Blaikie, Piers, Cannon, Terry, Davis, Ian. (2004), At Risk: Natural Hazards, People's Vulnerability and Disasters. London: Routledge.

-World Bank. (2005), Involuntary Resettlement (Revised April 2004).

- سایت مدیریت بحران کشور

<http://www.ndmo.org/NewsBody.aspx?id=453>

-گزارش زمین لرزه‌های اردکان- نورآباد (ممسنی)، وبسایت

پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله.

http://www.iiees.ac.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=779%3A2011-01-09-12-06-55&Itemid=68